



مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری
سال هفتم، شماره‌ی 27، زمستان 1397
صفحات 144-122

اخراج گردشگران خارجی در حقوق ایران

ابوالحسن شاکری¹

هادی گوهری بندپی²

محمدحسن مالدار³

تاریخ پذیرش: 1398/03/25

تاریخ دریافت: 1397/02/09

چکیده

گسترش کیفی و کمی وسایل نقلیه منجر به رشد صنعت گردشگری شده است. حضور گردشگر خارجی در برخی شرایط ممکن است زمینه ساز اخلال در نظم عمومی کشور میزبان گردد، لذا هرگاه کشوری حضور گردشگر خارجی را در تضاد با منافع و مصالح خویش قلمداد کند، می‌تواند وی را حتی در صورت عدم ارتکاب جرم از ادامه حضور در داخل مرزهای خود منع کند. اخراج گردشگر خارجی در نظام حقوقی ایران بر دو نوع اداری و قضایی است. اخراج به صورت اداری، اقدامی تأمینی توسط مقامات اداری در جهت حفظ منافع ملی به شمار می‌رود. مرجع صدور دستور اخراج اداری، نیروی انتظامی است که می‌بایست طبق موازین قانونی با ابطال پروانه اقامت و رعایت سایر تشریفات، اقدام به اخراج گردشگر بیگانه کند. نوع دوم اخراج که برای نخستین مرتبه با تصویب قانون مجازات اسلامی 1392 و به عنوان مجازات تکمیلی وارد نظام حقوقی کشور شد، اخراج قضایی است که با حکم دادگاه صالح همراه است و لزوماً زمانی معنا می‌یابد که گردشگر خارجی مرتکب جرم شود. طبق ماده 35 قانون اخیر اخراج قضایی بر دو نوع موقت و دائم است. این مقاله سعی دارد تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به تجزیه و تحلیل نظام حقوقی اخراج گردشگران خارجی با اتکا به قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب 1310 و قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 بپردازد تا از این طریق چالش‌های حقوقی موضوع مزبور را روشن کرده و با ارائه پیشنهادهایی در مرتفع ساختن آن‌ها گامی برداشته باشد.

واژگان کلیدی: گردشگر خارجی، مجازات تکمیلی، اخراج قضایی، اخراج اداری.

¹ دانشیار گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
(shakeri_criminallaw@yahoo.com)

² دانشجوی کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

³ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

مقدمه

در عصر حاضر، توسعه وسایل ارتباطی اعم از هوایی، زمینی و دریایی منجر به گسترش پیوند و وفاق بین مردم جهان و افزایش آمد و شد به کشورهای مختلف از جمله ایران گردیده که با اهدافی مثل تفرج، اشتغال، سرمایه‌گذاری و درمان همراه است. ورود گردشگر خارجی به سرزمین کشور دیگر همانطور که ماده 3 قانون مجازات اسلامی 1392 تاکید دارد¹ باعث توجه تکالیف قانونی نسبت به شخص بیگانه می‌گردد؛ در نتیجه گردشگر خارجی که وارد قلمرو ایران می‌شود مکلف به رعایت تمامی قوانین و مقررات حاکم بر ایران است و در صورت تخلف از مفاد آن‌ها با وی برخورد مقتضی صورت می‌گیرد که این برخورد ممکن است شامل یک یا چند مجازات پیش بینی شده در قانون ایران باشد. یکی از این مجازات‌ها که تنها مصداق آن برای اتباع بیگانه مانند گردشگران خارجی است و در مورد اتباع آن کشور (خودی) کاربرد ندارد (باتیفول² و لاگارد³، 1981: 125) «اخراج»⁴ از قلمرو کشور پذیرنده است. این سخن که اخراج صرفاً می‌تواند نسبت به بیگانگان اعم از گردشگر و غیر گردشگر صورت پذیرد، از بند «خ» ماده 23 قانون مجازات اسلامی 1392 برداشت می‌شود که مقنن در آن صرفاً «اخراج بیگانگان از کشور» را مورد حکم قرار داده است. همچنین در قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب 1310، عمده مباحث مربوط به اخراج از کشور بیان شده است که در آن صحبتی از اخراج اتباع ایرانی به میان نیامده است. دیگر این که ماده 3 پروتکل 4 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز اخراج فردی و یا دسته جمعی شهروندان یک کشور را ممنوع می‌داند.

اختیار اخراج اتباع بیگانه یکی از آثار حاکمیت سرزمینی دولت‌ها تلقی می‌شود (فیوضی، 1379: 92) بدین معنا که یک دولت، چنان چه حضور گردشگر خارجی را در سرزمین خود، نامطلوب و مغایر با منافع ملی تشخیص دهد، می‌تواند وی را از قلمرو خویش اخراج کند. با این حال باید توجه داشت که صلاحیت دولت‌ها در اخراج عناصر نامطلوب به صورت محدود است و قواعد بین المللی حقوق بشر نیز به دنبال تحدید این اختیار دول است، زیرا آزادی مطلق آن‌ها می‌تواند آثار زیان باری بر جای بگذارد و لازم می‌نماید تا اخراج بیگانه همراه با اصولی باشد. یکی از این اصول، ممنوعیت سوء استفاده دولت‌ها از جواز اخراج با استفاده از روش‌های ناروا است. ممنوعیت استفاده ناروا از اخراج ریشه در حقوق رم دارد (لاترپکت⁵، 1933: 298) که مورد قبول کشورهای امروزی نیز قرار گرفته است. همچنین «کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان»⁶ مصوب سال 1951 از اولین اسناد بین المللی

¹ - ماده 3 قانون مجازات اسلامی 1392: «قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد».

² Batiffol

³ Lagarde

⁴ Expulsion

⁵ Lauterpacht

⁶ Convention Relating to the Status of Refugees

است که کوشید تا دولت‌های طرف‌تعهد را از اعمال ناروای اختیار اخراج علیه اتباع بیگانه حاضر در قلمروشان منع نماید و به حکومت‌ها توصیه کرد که در تصمیم به اخراج با حسن نیت عمل کنند، یعنی آن که تصمیم مقامات ذیصلاح باید مبتنی بر انصاف و دلایل معقول باشد (چنگ¹، 1987: 105)، در هر حال تعریفی جامعی از حسن نیت در دسترس نیست.

هدف محققین از این پژوهش، بررسی کامل ابعاد حقوقی اخراج گردشگران خارجی در نظام حقوقی ایران اعم از مرحله قبل از ارتکاب جرم و بعد از آن است تا ضمن مذاقه در مسائل و چالش‌های حقوقی مربوط، پاسخ‌هایی مستدل و مطابق با متن و روح قوانین موضوعه به آن‌ها داده شود. با وجود گستردگی مبحث اخراج بیگانه و چالش‌های پیش‌روی آن، لکن قوانین موضوعه ایران در رابطه با آن‌ها ساکت مانده است، برای نمونه آیا امکان اخراج گردشگر خارجی به طور دائم وجود دارد؟ آیا می‌توان به تبع اخراج گردشگر خارجی فرزندان وی را نیز اخراج کرد؟ آیا می‌توان گردشگران بیگانه کشوری خاص را به دلایل امنیتی، سیاسی، اجتماعی و غیره اخراج کرد؟ از آن جایی که امکان اخراج اتباع خودی وجود ندارد، چنان چه گردشگر خارجی اخراج شده، بعد از اخراج به تابعیت ایران درآید، آیا این تغییر تابعیت موجب الغای آثار اخراج سابق می‌شود؟ آیا گردشگر خارجی اخراج شده می‌تواند در مدت اجرای حکم اخراج، از فرودگاه‌های ایران به عنوان فرودگاه ترانزیتی استفاده نماید؟

مبانی نظری

پیشینه تحقیق

درباره موضوع مورد بحث در این مقاله، پژوهش‌های مرتبطی نیز صورت گرفته است:

1. مقاله «وضعیت حقوقی بیگانگان در ایران در پرتو انسانی شدن حقوق بین‌الملل»: لزوم همگام شدن با دهکده جهانی و فرآیند جهانی شدن، نیازمند همسان سازی قواعد و قوانین داخلی با ملاحظات و قواعد حقوق بشری اتباع بیگانه چه در مرحله وضع و چه در مرحله اجرا آن‌ها است (حانمی و دیگران، 1394: 167).
2. مقاله «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اخراج بیگانگان با تأکید بر رویه دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحده»: در نظام حقوق بین‌الملل معاصر حق دولت‌ها در اجازه یا ممنوعیت ورود بیگانه به قلمرو تحت حاکمیت خویش به صورت مطلق است و در امر اخراج بیگانه نیز از آزادی عمل بسیاری برخوردارند، لیکن اعمال این حق مشروط به رعایت اصول بین‌المللی است (قاسمی، 1393: 238).
3. مقاله «نگاهی به جایگاه بیگانگان در حقوق بین‌الملل با تأکید بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر»: بیگانگان به عنوان اقلیتی که از نظر توزیع فراوانی در هر جامعه‌ای یافت می‌شوند، مستحق توجهات بیشتری در زمینه رعایت حقوق آنان هستند و هرگونه رفتار منافی قواعد عرفی بین

¹ Cheng

الملل با بیگانگان از جمله اخراج غیر قانونی، موجب مسئولیت دولت میزبان خواهد بود (قاسمی شوب، 1383: 168).

4. کتاب «موقعیت بیگانگان در رابطه با کنوانسیون حقوق بشر اروپا»: بیگانه بودن نمی‌تواند فراهم کننده شرایط تبعیض در یک کشور باشد و می‌بایست حقوق و آزادی‌های تضمین شده در کنوانسیون حقوق بشر اروپا برای همگان (بیگانه و شهروند) رعایت شود. با این حال در عمل حقوق سیاسی، اجتماعی و اقامتی بیگانگان محدود می‌شود. برای مثال جلوگیری از اخراج بیگانگان تنها به صورت رویه ای مورد پذیرش قرار گرفته است و ممکن است لغو شود، حتی اگر آن‌ها به صورت قانونی در یک کشور حضور داشته باشند (لمبرت¹، 2001: 50).
تا زمان نگارش مقاله حاضر، هیچ گونه پژوهش اختصاصی درباره اخراج گردشگر بیگانه در نظام حقوقی ایران انجام پذیرفته است و همانطور که مندرج گردید صرفاً مطالعاتی مرتبط با موضوع مذکور یافت می‌شود.

بی تردید پرداختن به موضوع «اخراج گردشگران خارجی در حقوق ایران» بدون توضیح و تفسیر اجزای مقوم آن میسر نیست، لذا در بدو امر به تعریف هر یک از آن‌ها پرداخته و سپس به مبحث اصلی ورود می‌شود. اخراج در لغت به معنای راندن، کنارگذاری، بیرون کردن، بیرون فرستادن و برون کرد است (دهخدا، 1377: ج 2، 148). در علم حقوق برخی معتقدند اخراج عبارت است از: «اقدام دولت برای بیرون راندن تبعه بیگانه از کشور و فرستادن وی به کشوری که قبلاً این شخص از آن جا آمده است» (ملک زاد، 1387: 26)؛ این تعریف محل اشکال است، زیرا برای نمونه یک گردشگر فرانسوی می‌تواند از کشور آلمان وارد خاک کشور ایران شده باشد که در این حالت بازگرداندن شخص به کشور آلمان غیر منطقی است، چراکه وی تبعه آلمان نیست که بتوان وی را به آنجا مسترد کرد و چه بسا آنکه مقامات کشور آلمان از پذیرفتن وی سرباز زنند. در تعریف دیگری گفته اند: «بیرون انداختن یک خارجی از کشور به دلایلی مانند سابقه کیفری، ارتکاب جرم، و یا ورود غیر قانونی به کشور و نداشتن مدارک مهاجرتی یا مدارک تابعیتی در هنگامی که مقامات رسمی کشور حضور فرد را بر خلاف منافع ملی تشخیص دهند» اخراج نامیده می‌شود (احمدی نژاد، 1391: 3). این تعریف نیز از آن جایی که مقصد را مشخص نکرده محل ایراد است، چراکه با تعریف مزبور این گونه به ذهن متبادر می‌گردد که دولت پذیرنده می‌تواند شخص را در محل نامشخصی مانند آب‌های آزاد رها کند که این اقدام خلاف قواعد حقوق بشری است. با توجه به این دو تعریف می‌توان اخراج را «بیرون راندن اجباری تبعه خارجی از قلمرو یک کشور و فرستادن او به کشور متبوع خویش به دلیل تضاد حضور آن شخص با مصالح ملی دولت پذیرنده» دانست. باید توجه داشت در این تعریف منظور از قلمرو یک حکومت نه تنها سرزمین بلکه مستعمرات و مناطق اشغالی نیز هستند. البته ممنوعیت اخراج اتباع

¹ Lambert

کشور اشغال شده توسط کشور اشغال‌گر، مورد اجماع بازیگران صحنه حقوق بین‌الملل است. این اجماع از عهدنامه‌های بین‌المللی، قوانین ملی، عملکرد دولت‌ها، رویه سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، و همچنین رویه نهادهای قضایی و شبه قضایی بین‌المللی استنباط می‌شود (امین زاده و سیاه رستمی، 1389: 46) و دولت اشغال‌کننده نمی‌تواند به بهانه حاکمیت بر کشوری اتباع آن کشور را اخراج کند زیرا حاکمیت آن دولت غیر دائمی بوده و وی تنها قدرت اداره آن کشور را در اختیار دارد. جزء دوم مبحث، گردشگران خارجی است. مطابق تعریف سازمان جهانی گردشگری «گردشگر کسی است که به کشور و شهری غیر از محیط زندگی معمولی خود برای مدتی که کمتر از 24 ساعت و بیشتر از یک سال نباشد سفر کند و قصد او از سفر تفریح، استراحت، ورزش، دیدار اقوام و دوستان، کسب و کار، مأموریت، شرکت در سمینار یا کنفرانس، معالجه، مطالعه و تحقیق یا فعالیت‌های مذهبی باشد» (مقامی و درودگر، 1396: 156) بر این اساس گردشگر خارجی، تبعه کشور خارجی است و به یک یا چند منظور مختلف از جمله تفرج، مشاهده جاذبه‌های توریستی، درمان یا زیارت برای مدت کوتاهی ولو یک روز به کشور ما آمده باشد.

روش تحقیق

در این پژوهش به منظور بررسی مطالب مرتبط با «اخراج گردشگران خارجی در حقوق ایران» از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و مباحث با لحاظ موازین حقوقی و قواعد حاکم بر چارچوب مسئله مزبور و مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و نتایج و دستاوردها بر مبنای مباحث پیش‌رو، استخراج شده‌اند. موضوع اخراج بیگانگان در ایران نخستین بار در قانون منسوخ مجازات عمومی مصوب 1304 مورد پذیرش قرار گرفت بدین شرح که مقنن در ماده 274 اشعار می‌داشت: «اگر ولگرد تبعه خارجه باشد به امر دولت از داخل مملکت اخراج می‌شود». قانون «راجع به ورود و اقامت اتباع خارجی در ایران» مصوب 1310 نیز از جمله قوانینی است که در آن به موضوع اخراج بیگانگان پرداخته شده است. قانونگذار در ماده 3 امکان اخراج بیگانگان¹ را در صورت عدم رعایت شرایط ماده 2 این قانون امکان‌پذیر دانست.² این قانون بر خلاف قانون مجازات عمومی 1304

¹- ماده 3 قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجی در ایران 1310: «هرگاه یکی از موانع مذکوره در ماده ۲ در موقع ویزا بر مأمور ایران در خارجه مکشوف نبوده و یا بعداً موجود شود مأمورین مربوطه می‌توانند از دادن اجازه توقف دائم یا موقت خودداری نموده و یا اجازه‌های صادره را ملغی نمایند. در هر یک از موارد فوق پس از الغاء اجازه صادره نظمیه محل، شخص خارجی را از ایران اخراج خواهد کرد. تشخیص علل مذکوره در این ماده و ماده قبل منحصراً بسته به نظر مأمورین مربوطه ایران است، ولی در غیر موارد مذکوره امتناع از دادن اجازه جایز نیست».

²- ماده 2 قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجی در ایران: «اجازه ورود به ایران و عبور از آن به وسیله ویزای مأمورین ایران در خارجه در روی تذکره و یا اوراق و شهادت نامه‌های هویت صادره از طرف دولت متبوعه هر کس تحصیل می‌شود. مأمورین ایران در خارجه در موارد ذیل باید از دادن ویزا خودداری نمایند:

الف- در صورتی که صحت اسناد ارائه شده را تردید نمایند.

با وجود آنکه بیش از هشتاد سال از تصویب آن می‌گذرد اما توسط هیچ یک از قوانین لاحق به صورت صریح یا ضمنی نسخ نشده و کماکان به قوت خود پا برجاست. همچنین مقنن در سال 1392 با تصویب قانون مجازات اسلامی در ماده 23 مقرر داشت: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی زیر محکوم نماید... بند خ: اخراج بیگانگان از کشور...» و نیز در ماده 35 این قانون مقرر نمود: «خراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور، پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه انجام می‌شود». به همین منظور ابتدا انواع تصمیم اخراج (خراج اداری- اخراج قضایی) معرفی و سپس به مباحث اعتراض به تصمیم اخراج از کشور و آثار تصمیم اخراج از کشور پرداخته شد.

تجزیه و تحلیل داده ها

1. اخراج اداری

خراج اداری که باید از آن به عنوان دستور شبه قضایی تعبیر کرد نخستین نوع اخراج است. اخراج گردشگر خارجی به صورت اداری، اقدامی تأمینی توسط مقامات اداری در جهت حفظ منافع ملی کشور پذیرنده به شمار می‌رود و صرفاً به معنای مجازات گردشگر خارجی نیست، هر چند آثار جبران ناپذیری برای وی به دنبال داشته باشد (گای¹، 1978: 257). یکی از مولفه‌های تاثیرگذار در اخراج گردشگر خارجی قبل از ارتكاب جرم، وجود دلایل امنیتی است که در ماده 13 «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی»² مصوب 1966 نیز مورد تاکید قرار گرفته است. البته همانطور که در نشست پنجاه و هفتم مجمع عمومی سازمان ملل بیان شد، مفاهیمی چون قانون و نظم، امنیت عمومی و یا امنیت ملی مبهم بوده و هیچ گاه تعریف ثابتی نداشته‌اند (کامتو³، 2005: 7)، به این معنا که هر دولت

ب- اشخاصی که مطابق قوانین ایران تبعه ایران محسوب شده و بخواهند با اوراق تابعیت غیر ایرانی به ایران مسافرت کنند.

ج- اگر حضور خارجی در ایران بر ضد امنیت مملکت و یا نظم عمومی و یا به جهت دیگری منافی مصالح مملکتی باشد.

د- اگر خارجی در ایران سابقه محکومیت به جنحه مهم و یا جنایت داشته و یا در مملکت خارجه محکوم به جنحه و یا جنایت شده باشد.

ه- اگر خارجی قبلاً از ایران اخراج شده باشد.

و- اگر حضور خارجی در ایران به ملاحظه حفظالصحه عمومی و یا عملیات منافی عفت صلاح نباشد.

ز- اگر خارجی نتواند اثبات نماید که وسائل تحصیل معاش خود را در ایران به وسیله سرمایه یا مشاغل مفیده خود دارا می‌باشد».

¹Guy

² International Covenant on Civil and Political Rights

³Kamto

می‌تواند تعریف متفاوتی از آن ارائه بدهد و طبق آنچه که خود می‌خواهد این مفاهیم انتزاعی را معنا نماید، هر چند که این استثناء می‌تواند مورد انتقاد قرار گیرد.

همچنین حالات روانی خاص که یادآور بحث «حالت خطرناک»¹ در علم جرم‌شناسی است، می‌تواند موجب اخراج گردشگر خارجی شود. برای مثال در بسیاری از کشورهای جهان بیکاری، فقدان محل درآمد و یا اقامت مشخص، بیماری جدی، فاحشگی، بروز رفتارهای جنسی مانند همجنس‌گرایی می‌تواند دلیل بر اخراج باشد (همان، 8). زیرا همه مولفه‌های مذکور می‌توانند از مصادیق حالت خطرناک باشند. حالت خطرناک به این معناست که فرد دارای شاخصه‌های زیستی، روانی و اجتماعی ویژه‌ای است که او را در معرض ارتکاب جرم قرار می‌دهد (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، 1395: 120). این موضوع بیشتر در پیشگیری از وقوع جرم مطرح می‌شود تا از این طریق راهکارهایی در جهت انفعال حالت خطرناک فرد ارائه شود، مثلاً گردشگر خارجی که دارای جنون است و وارد قلمرو ایران شده، یکی از مصادیقی است که امکان اخراج وی وجود دارد. اخراج بیگانه به عنوان اقدامی تأمینی و تربیتی در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب 1339² وضع شده بود. همچنین این مهم قبلاً در بند ج ماده 2 قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران 1310 مورد اشاره قرار گرفته بود، بنابراین در صورتی که حالت روانی گردشگر خارجی چنان خطرناک باشد که احتمال آن برود حضور وی در کشور ممکن است باعث به خطر افتادن امنیت ملی یا نظم عمومی یا دیگر مصالح شود، وی اخراج می‌شود. آن چه از این مطالب مستفاد می‌گردد این است که مقنن، اصل پیشگیری از وقوع جرم را در نظر داشته، کما آنکه با توجه به قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه 1310 اگر شخص خارجی جرمی هم انجام ندهد، لکن وسایل امرار و معاش وی معلوم نباشد، می‌توان وی را از کشور بیرون کرد، زیرا نداشتن وسیله امرار و معاش می‌تواند باعث بروز ارتکاب جرایمی مانند تکدی‌گری، سرقت و ولگردی شود.³ با عنایت به ماده 3 قانون اخیرالذکر، اگر در هنگام ورود گردشگر خارجی به

¹ Dangerousness

² - ماده 728 قانون مجازات اسلامی 1392: «...قانون اقدامات تأمینی مصوب 1339/2/12 و قانون تعریف محکومیت های مؤثر در قوانین جزائی مصوب 1366/7/26 و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها در صورت عدم نسخ در سایر قوانین قبلی و سایر قوانین مغایر از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون نسخ می‌گردد».

³ - بند ج ماده 2 قانون راجع به ورود و خروج اتباع بیگانه 1310: «...اگر حضور خارجی در ایران بر ضد امنیت مملکت و یا نظم عمومی و یا به جهت دیگری منافی مصالح مملکتی باشد. بند ز ماده 2 قانون راجع به ورود و خروج اتباع بیگانه 1310: «...اگر خارجی نتواند اثبات نماید که وسائل تحصیل معاش خود را در ایران به وسیله سرمایه یا مشاغل مفیده خود دارا می‌باشد».

داخل ایران هر یک از موارد ماده 2 این قانون¹ بر دولت ایران پوشیده باشد و در آینده کشف گردد می‌توان وی را بعداً اخراج کرد.

طبق ماده 16 «آیین نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه مصوب 1352/3/12 و اصلاحات بعدی»² مرجع صدور دستور اخراج گردشگر خارجی از کشور نیروی انتظامی است که می‌بایست طبق موازین قانونی با ابطال پروانه اقامت و رعایت سایر تشریفات، اقدام به اخراج گردشگر بیگانه می‌کند. تصمیم اخراج باید مطابق قانون و مستند باشد³ و نمی‌توان صرفاً بر پایه گمان و حدس اقدام به اخراج گردشگر خارجی کرد. مرجع انتظامی نمی‌تواند به صورت خودسرانه و بدون هیچ گونه توجیه یا دلیل قانونی، اقدام به اخراج گردشگر خارجی نماید. در مسئله ممنوعیت اخراج فاقد دلیل قانونی می‌توان به رأی دیوان بین المللی دادگستری در پرونده دیالو اشاره کرد. دیوان در باب اخراج دیالو از خاک کنگو چنین اظهار داشت: «اخراج یک فرد زمانی قانونی و بر طبق تعهدات بین المللی یک دولت است که تصمیم گیری برای اخراج مطابق قانون بوده باشد. این مطابقت قانونی یک امر ضروری است نه کافی، زیرا اخراج در ماهیت امر نباید خودسرانه و ناقض قواعد حمایتی حقوق بشر باشد» (ICJ, 2010: p.28, No.65). تصمیم اخراج توسط مرجع انتظامی به متقاضی کتباً ابلاغ خواهد شد و چنانچه این مرجع گردشگر خارجی را خلاف قانون اخراج کند وی می‌تواند به این اقدام نزد وزارت کشور اعتراض نماید.

¹ - ماده 3 قانون راجع به ورود و خروج اتباع بیگانه 1310: «هر گاه یکی از موانع مذکوره در ماده 2 در موقع ویزا بر مأمور ایران در خارجه مکشوف نبوده و یا بعداً موجود شود مأمورین مربوطه می‌توانند از دادن اجازه توقف دائم یا موقت خودداری نموده و یا اجازه های صادره را ملغی نمایند».

² - ماده 16 آیین نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه ۱۳۵۲/۳/۱۲ و اصلاحات بعدی: «در مواقعی که شهربانی کل کشور (نیروی انتظامی فعلی) طبق موازین قانونی از صدور یا تمدید یا تجدید پروانه اقامت خودداری و به اخراج خارجی اتخاذ تصمیم نماید، این تصمیم را به متقاضی کتباً ابلاغ خواهد نمود و خارجی می‌تواند ظرف ۱۵ روز از تاریخ رویت اخطاریه برابر ماده ۱۲ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه، تقاضای تجدید نظر در تصمیم شهربانی را به وزارت کشور تسلیم نماید».

³ - ماده 3 قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران 1310: هر گاه یکی از موانع مذکوره در ماده 2 (الف- در صورتی که صحت اسناد ارائه شده را تردید نمایند. ب - اشخاصی که مطابق قوانین ایران تبعه ایران محسوب شده و بخواهند با اوراق تابعیت غیر ایرانی به ایران مسافرت کنند. ج- اگر حضور خارجی در ایران بر ضد امنیت مملکت و یا نظم عمومی و یا به جهت دیگری منافی مصالح مملکتی باشد. د- اگر خارجی در ایران سابقه محکومیت به جنحه مهم و یا جنایت داشته و یا در مملکت خارجه محکوم به جنحه و یا جنایت شده باشد. ه- اگر خارجی قبلاً از ایران اخراج شده باشد. و- اگر حضور خارجی در ایران به ملاحظه حفظالصحه عمومی و یا عملیات منافی عفت صلاح نباشد. ز- اگر خارجی نتواند اثبات نماید که وسائل تحصیل معاش خود را در ایران به وسیله سرمایه یا مشاغل مفیده خود دارا می‌باشد) در موقع ویزا بر مأمور ایران در خارجه مکشوف نبوده و یا بعداً موجود شود مأمورین مربوطه می‌توانند از دادن اجازه توقف دائم یا موقت خودداری نموده و یا اجازه‌های صادره را ملغی نمایند.

نوع دیگری از اخراج، «اخراج گروهی»^۱ یا «دسته جمعی»^۲ گردشگران خارجی یک کشور از کشور پذیرنده است. اخراج دسته جمعی اغلب به اخراج افراد زیادی می‌انجامد که چند برابر اخراج گروهی است (هنکارتس^۳، ۱۹۹۴: ۳۱۷). بدین معنا که در اخراج دسته جمعی چندین گروه گردشگر خارجی و در اخراج گروهی مثلاً خانواده گردشگر خارجی اخراج می‌شوند. برای مطابقت اخراج با اصول حقوقی از جمله ماده ۳۳ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ این اقدام باید جنبه فردی داشته و به غیر از جنگ و قطع روابط سیاسی هرگاه دولتی تصمیم به اخراج دسته جمعی بگیرد بر خلاف نزاکت و اصول حقوق بین الملل رفتار کرده است (نصیری، ۱۳۷۵: ۱۱۰)، زیرا این اقدام موجب تبعیض میان افراد اخراج شده می‌گردد. باید توجه داشت که این اقدام نه تنها تأثیری در امنیت کشور ندارد بلکه چهره‌ای منفی از کشور میزبان در جامعه بین الملل بر جای می‌گذارد. چنانچه دولتی تصمیم به اخراج گرفته باشد باید همراه با حسن نیت و انگیزه‌های مشروع باشد (برونلای^۴، ۱۹۹۹: ۵۲۲). همچنین در رویه حقوق بشر بین الملل نیز بر این نکته تأکید شده است که اخراج دسته جمعی و یا گروهی ممنوع می‌باشد زیرا اخراج بدین شکل، بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز است چرا که اخراج از کشور نباید بیگانه را در معرض آسیب و خطر جدی قرار دهد (OHCHR Discussion paper, 2006: 19). بنابراین همانطور که ماده ۴ پروتکل ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۶۳ نیز تأکید می‌نماید، اخراج گروهی یا دسته جمعی گردشگران خارجی به دلایلی مانند نژادی، اعتقادی و دینی مخالف قواعد حقوق بشری است و از این رو شایسته نیست تمامی گردشگران خارجی در ایران را به دلایلی مانند احتمال افزایش مصرف مشروبات الکلی و یا از بین رفتن فرصت شغلی برای اتباع کشور خودی به صورت گروهی یا دسته جمعی اخراج کرد.

۲. اخراج قضایی

نوع دوم اخراج که برای نخستین مرتبه با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ وارد نظام حقوقی کشور شد، اخراج قضایی است. این اخراج، با حکم دادگاه صالح همراه است و لزوماً زمانی معنا می‌یابد که گردشگر خارجی مرتکب جرم شود. این نوع اخراج بر دو نوع محدود (حداکثر دو سال) و نامحدود (دائم) است. مقنن برای نخستین بار در سال ۱۳۹۲ در بند خ ماده ۲۳ قانون مزبور به اخراج بیگانه از کشور اعم از گردشگر یا غیره به عنوان مجازات تکمیلی پرداخت. مجازات تکمیلی دارای دو خصیصه منحصر به فرد است؛ اول این که؛ مستقلاً مورد حکم قرار نمی‌گیرد و باید به همراه مجازات اصلی در حکم دادگاه ذکر شود، زیرا منطقی نیست که دادگاه ابتدا حکم به مجازات دهد و پس از صدور حکم قطعی مجدداً نسبت به دعوایی که مختمومه شده است حکم به اخراج از کشور بدهد (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۳۹۲).

¹ Collective Expulsion

² Mass Expulsion

³ Henckaerts

⁴ Brownlie

ج 2، 108)، دوم این که؛ طبق نص صریح تبصره 1 ماده 23 قانون مجازات اسلامی¹ مصوب 1392 مدت اخراج نباید بیشتر از 2 سال باشد، یعنی نمی‌توان بیش از دو سال از ورود گردشگر خارجی به ایران جلوگیری کرد، مگر آنکه قانون مدت بیشتری را مقرر کرده باشد. از آنجا که مقنن در ماده 35 قانون مجازات اسلامی 1392 از واژه «اخراج موقت» استفاده کرده است آیا می‌توان به مدت بیست سال از ورود گردشگر خارجی به کشور جلوگیری کرد؟ یا آنکه منظور از واژه «موقت» در ماده 35 قانون مجازات اسلامی 1392 همان دو سال مذکور در تبصره 1 ماده 23 است؟ اگر پاسخ سوال اخیر مثبت باشد؛ بنابراین قاضی در تعیین مجازات اخراج نمی‌تواند گردشگر خارجی را برای بیش از دو سال از ورود به کشور محروم نماید، چراکه این اخراج از نوع مجازات تکمیلی است و حکم به بیش از آن بر خلاف اصل قانونی بودن مجازات‌ها است. در این صورت این بحث پیش می‌آید که محمل اجرای مجازات اخراج بیش از دو سال یا اخراج دائم - مذکور در ماده 35 قانون مجازات اسلامی - در چه مواردی است؟ آیا اخراج دائم از نوع مجازات تکمیلی است؟ که البته این چنین نیست، زیرا ذیل عنوان یکی از انواع مجازات‌های موضوع ماده 23 قانون مجازات اسلامی 1392 راجع به مجازات تکمیلی نیامده است و از آنجا که در هیچ قانون دیگری، مجازات اخراج دائم به عنوان مجازات تکمیلی و اصلی برای ارتکاب هیچ جرمی پیش بینی نشده، باید گفت که تا زمان وضع قانون لاحق در این خصوص، اخراج دائم فاقد محمل قانونی برای اجرا است، اگر چه ممکن است این انتقاد پیش آید که با لحاظ عبارت مقنن در ماده 35 قانون مجازات اسلامی 1392 از آنجا که مجازات اخراج بعد از اجرای مجازات اصلی انجام می‌شود، بنابراین اخراج دائم نیز مجازات تکمیلی است، لکن در پاسخ می‌توان قائل به این بود که نظر قانونگذار در این ماده بر ترتب اجرای احکام است، چراکه پس از اجرای حکم اخراج، امکان تحمیل مجازات دیگر بر محکوم علیه نیست، لذا به تصریح ماده مذکور مجازات اخراج دائم پس از اعمال مجازات اصلی اجرا می‌شود و نباید از این نحوه قانونگذاری در ترتب اجرای مجازات‌ها، تکمیلی بودن مجازات اخراج دائم را اصطیاد کرد. البته ممکن است در پاسخ به استدلال‌های مذکور گفته شود، تبصره 1 ماده 23، قید «مگر آن که قانون به نحو دیگر مقرر نماید» را آورده است از این رو در ماده 35 نیز اخراج «دائم» و یا اخراج موقت بدون تعیین مدت مانند 15 سال، همان «نحو دیگر» مذکور در تبصره یاد شده است. هم چنان صرفاً اخراج موقت مرتکبین برخی از بزه‌ها مانند جرایم علیه امنیت ملی و بین‌المللی آن هم به مدت نهایتاً 2 سال محل انتقاد است.

قاضی می‌تواند محکوم علیه را به بیش از یک مجازات تکمیلی محکوم کند، بدین معنا که در کنار اخراج گردشگر خارجی از کشور به مجازات تکمیلی علیحده که متناسب با جرم ارتكابی است، رأی دهد. همانند انتشار حکم محکومیت قطعی که محدودده اجرایی آن روزنامه‌های محلی منتشره در

¹- تبصره 1 ماده 23 قانون مجازات اسلامی 1392: «مدت مجازات تکمیلی بیش از دوسال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید».

قلمرو ایران است.¹ لیکن به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت کاربردی اخراج از کشور، نمی‌توان آن را با غالب مجازات‌های تکمیلی دیگر جمع کرد. به عنوان مثال منع از رانندگی یا اجبار به تحصیل با اخراج گردشگر از کشور منافات دارد، زیرا رانندگی یا تحصیل به هر صورت در قلمرو خاک ایران معنا می‌یابد و با توجه به نظارت پذیر بودن مجازات‌های تکمیلی، اعمال موارد مزبور در کشور دیگر بی‌فایده است. چنانچه اخراج به صورت موقت باشد، می‌توان در کنار آن به توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتکاب جرم حکم داد، ولی اگر طبق ماده 35 قانون مجازات اسلامی 1392 اخراج دائم را بپذیریم، این اخراج با توقیف وسائل، رسانه و موسسه دخیل در جرم که به معنی ممنوعیت از مداخله و تصرف در مال به صورت موقت است (اردبیلی، 1393: 99) در تضاد قرار دارد، زیرا از یک سو در اخراج دائم (اگر آن را بپذیریم) شخص می‌بایست برای همیشه کشور را ترک کند و از سوی دیگر توقیف ماهیتاً امری موقتی است، در نتیجه بعد از سپری شدن مدت معین شده، توقیف رفع می‌شود. بنابراین زمانی که گردشگر نمی‌تواند وارد کشور شود و نیز با توجه به اینکه در این موارد الزام قانونی برای منع اخذ وکیل وجود ندارد، وی می‌تواند اموال خود را از طریق وکیل یا نماینده قانونی با لحاظ دیگر مقررات اداره کند.

3. اعتراض به تصمیم اخراج بیگانه از کشور

به طور کلی دولت‌ها در فرآیند اخراج بیگانه ملزم به رعایت چهار مولفه اساسی می‌باشند: 1- اطلاع از روند دادرسی 2- دادرسی عادلانه 3- حق دسترسی به مشاوره حقوقی و یا وکیل تسخیری 4- حق ترجمه و تفسیر قوانین در هر مرحله (کیدن²، 2013: 343). در صورت سلب و یا محدود نمودن این حقوق، اخراج جنبه قانونی ندارد. یکی از این اصول، دادرسی عادلانه است که متعاقباً موجب پدیدآیی حق اعتراض به تصمیمات دادگاه داخل برای فرد محکوم می‌شود. اعتراض به تصمیم دادگاه می‌تواند موجب تقلیل خطای آرای قضایی شود و این فرصت را برای محکوم فراهم کند که مرجع بالاتر، ادله و اسناد و مدارک موجود در پرونده را مجدداً مورد بررسی قرار دهد. حق اعتراض به تصمیمات دادگاه‌ها از جایگاه محکم و والایی در قوانین و مقررات مختلف داخلی و خارجی و نیز رویه بین‌المللی برخوردار است. برای مثال، ماده 13 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب 1966 مقرر داشته است: «بیگانه‌ای که قانوناً در قلمرو یک دولت طرف این میثاق باشد، فقط در اجرای تصمیمی که مطابق قانون اتخاذ شده باشد ممکن است از آن کشور اخراج شود و جز در مواردی که جهات حتمی امنیت ملی طور دیگر اقتضا نماید، باید امکان داشته باشد که علیه اخراج خود موجهاً

¹ - ماده 21 آیین‌نامه اجرایی مجازات‌های تکمیلی 1393: «چنانچه حکم قطعی دادگاه مبتنی بر انتشار آن باشد، مفاد حکم دادگاه در یک نوبت در یکی از روزنامه‌های محلی منتشر می‌شود؛ مگر اینکه دادگاه به نحو دیگری مقرر داشته باشد».

² Kidane

اعتراض کند و اعتراض او نزد مقام صالح یا نزد شخص یا اشخاص منصوب به خصوص از طرف مقام صالح با حضور نماینده ای که به این منظور تعیین می‌کند رسیدگی شود». همچنین این حق در اصل 34 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عالی ترین سند حقوقی کشور مورد تاکید قرار گرفته است. اصل مزبور اشعار می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». همچنین با توجه به ماده 1 پروتکل 7 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر 1984، نمی‌توان بیگانه‌ای را که به طور قانونی در یک کشور ساکن است از آن کشور اخراج کرد مگر آنکه تصمیم اخراج طی فرایند قانونی حاصل شده باشد. همچنین بیگانه از این حق برخوردار است که نسبت به تصمیم دادگاه اعتراض کند و اعتراض او در نزد مقام صالح به رسیدگی یا شخص یا اشخاص منصوب از طرف آن مقام رسیدگی شود. لکن باید توجه داشت حق اعتراض به تصمیم دادگاه، در پرونده های مربوط به نظم عمومی و امنیت ملی قابل اعمال نیستند. همین موضع به طور محدودتر در ماده 13 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی 1966 پذیرفته شده است.

با توجه به آنکه اخراج گردشگر خارجی به دو صورت دستور اداری یا قضایی است، منطقاً مرجع اعتراض آن‌ها نیز متفاوت است. اگر اخراج دستور اداری باشد، طبق ماده 12 قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران¹ وزارت کشور مرجع تسلیم تقاضای تجدید نظر به آن دستور است و مهلت آن 15 روز خواهد بود. بنابراین با توجه به این مهلت، مرجع انتظامی نمی‌تواند گردشگر خارجی را قبل از اتمام آن، مجبور به خروج از کشور سازد و باید مهلت تعیین شده برای ترک ایران به صورتی باشد که وی بتواند به آن دستور اعتراض نماید. ماهیت هیئت رسیدگی به تقاضای تجدید نظر در مورد اخراج از نوع مراجع غیر قضایی متشکل از افرادی غیر از دارندگان پایه قضایی است. از طرف دیگر عدم تمدید به موقع مهلت اقامت در ایران از سوی گردشگر خارجی نمی‌تواند از جهات اعتراض به تصمیم مقامات صالح باشد. در خصوص مرجع رسیدگی کننده به اعتراض گردشگر طبق ماده 16 آیین نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه 1352/3/12 و اصلاحات بعدی، هیئتی مرکب از مدیرکل سیاسی وزارت کشور، نمایندگان وزارت امور خارجه، وزارت دادگستری، وزارت اطلاعات و نیروی

¹ - ماده 12 قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه 1310: «در مواقعی که اعطای جواز اقامت امتناع شده و تصمیم اخراج از طرف مقامات ذیصلاحیتی که دولت معین می‌کند اتخاذ می‌شود خارجی حق خواهد داشت به وزارت داخله مراجعه کرده تقاضای تجدید نظر در تصمیم مزبور را بنماید. این تقاضا کتباً و یا تلگرافاً به وسیله مقام صلاحیت‌داری که تصمیم را اتخاذ کرده داده خواهد شد ولی خارجی می‌تواند مدلول تقاضای خود را مستقیماً به وزارت داخله ارسال دارد. تقدیم تقاضای تجدید نظر موجب تعویق اجرای تصمیم اخراج - به استثنای مواردی که اخراج از نقطه نظر مصالح مملکتی فوریت دارد - خواهد بود ولی ممکن است تا تعیین نتیجه تجدید نظر نظمیه، خارجی را در تحت مراقبت مخصوص خود قرار دهد».

انتظامی به این تقاضا رسیدگی کرده و سپس تصمیم اتخاذ شده به مرجع انتظامی جهت اجرا ابلاغ خواهد شد، هر چند این تصمیم هم در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض خواهد بود.

در اخراج قضایی طبق ماده 426 قانون آیین دادرسی کیفری^۱ مصوب 1392 مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدید نظر از آراء غیرقطعی، حسب مورد دادگاه تجدید نظر استان یا دیوان عالی کشور خواهد بود. با استناد به ماده 427 قانون مزبور^۲ در جرایم تعزیری درجه 8 و جرایم مستوجب پرداخت دیه یا ازش که میزان یا جمع آن‌ها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد، حکم صادره قطعی و غیر قابل اعتراض خواهد بود. در این جا چنانچه دادرس پرونده، مجازات تکمیلی اخراج را هم برای گردشگر خارجی در نظر گرفته باشد؛ در این صورت وی نمی‌تواند به حکم اخراج در مرجع تجدید نظر اعتراض کند. این نظر توسط مفهوم مخالف ماده 429 قانون مزبور^۳ تقویت می‌شود، زیرا طبق این ماده اگر یکی از محکومیت‌های مندرج در رأی قابل تجدید نظر خواهی باشد، محکومیت دیگر نیز به تبع آن قابل اعتراض می‌شود که بحث مطروحه منصرف از این فرض است.

در رابطه با امکان صدور حکم غیابی^۴ برای گردشگر خارجی می‌توان گفت علی‌رغم آنکه مقنن در قانون مجازات اسلامی 1392 در این زمینه برخلاف نهاد تعلیق اجرای مجازات سکوت پیشه کرده، ولی با توجه به قیود مذکور در ماده 23 قانون اخیر در رابطه با تناسب مجازات تکمیلی با جرم ارتكابی و خصوصیات محکوم علیه، حکم به اخراج گردشگر خارجی به صورت غیابی چندان مقرون به صواب و انصاف نیست؛ با این حال در جایی که امکان محاکمه غیابی متهم وجود داشته باشد، اعتقاد به احتمال صدور اخراج در کنار حکم اصلی سخن‌گزار نیست، مانند جرایم در صلاحیت واقعی^۵ که

1- ماده 426 قانون آیین دادرسی کیفری 1392: «دادگاه تجدید نظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدید نظر از کلیه آراء غیرقطعی کیفری است جز در مواردی که در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد. دادگاه تجدید نظر استان در مرکز هر استان، با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و عضویت دو مستشار تشکیل می‌شود».

2- ماده 427 قانون آیین دادرسی کیفری 1392: «آرای دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود، حسب مورد در دادگاه تجدید نظر استان همان حوزه قضایی قابل تجدید نظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است: الف- جرایم تعزیری درجه هشت باشد. ب- جرایم مستلزم پرداخت دیه یا ازش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد».

3- ماده 429 قانون آیین دادرسی کیفری 1392: «در مواردی که رأی دادگاه توأم با محکومیت به پرداخت دیه، ازش یا ضرر و زیان است، هرگاه یکی از جنبه‌های مزبور قابل تجدید نظر یا فرجام باشد، جنبه‌های دیگر رأی نیز به تبع آن، حسب مورد قابل تجدید نظر یا فرجام است».

4- ماده 406 قانون آیین دادرسی کیفری 1392: «در تمام جرائم، به استثنای جرائمی که فقط جنبه حق‌اللهی دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می‌کند».

5 Protective principle

طبق ماده 5 قانون مجازات اسلامی 1392 دادگاه های ایران مجاز به محاکمه غیابی هستند¹، بنابراین اگر اخراج گردشگر در کنار مجازات اصلی به عنوان مجازات تکمیلی مورد حکم قرار گیرد، به نظر نمی‌رسد اشکالی بر آن مترتب باشد، زیرا در صورت عدم ذکر مجازات تکمیلی اخراج گردشگر خارجی در حکم دادگاه، نمی‌توان وی را بعد از اجرای مجازات اصلی اخراج کرد، چراکه اخراج تبعه خارجی به عنوان مجازاتی مستقل (نه تکمیلی) پذیرفته نشده است. البته در مقابل ممکن است گفته شود که اخراج وقتی معنا می‌یابد که فرد به صورت فیزیکی در قلمرو حاکمیتی کشور باشد تا متعاقباً وی را به صورت فیزیکی از قلمرو حاکمیتی بیرون راند تا مفهوم «اخراج» محقق شود.

4- آثار تصمیم به اخراج از کشور

اجرای حکم دادگاه، تبعات مستقیم و غیر مستقیم بر شخص و حقوق وی برجای می‌گذارد. نخستین اثر اجرای حکم اخراج، خروج اجباری گردشگر خارجی از کشور میزبان است، بنابراین شخص حقیقی در تمکین این حکم و یا عدم آن اختیاری ندارد. در این جا باید توجه داشت که اخراج گردشگر محجور نمی‌تواند مجوزی برای اخراج قیم وی از قلمرو ایران باشد، زیرا چنین رفتاری نه تنها عقلانی و منطقی نیست بلکه با قواعد حقوقی همچون اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در تضاد قرار دارد، همانطور که اخراج دو قلموی بهم چسبیده، در حالی که یکی از آن‌ها مشمول حکم اخراج است، دور از انصاف و عدالت است. باید توجه داشت که اخراج گردشگری که فوت کرده، مفهوم و معنا ندارد، چراکه فوت گردشگر خارجی قبل از اجرای حکم، مجازات را به طور کلی منتفی می‌سازد، همانطور که فوت محکوم علیه، مجازات هایی چون حبس، شلاق و اعدام را ممتنع می‌نماید. با این حال اگر در مواردی دفن جنازه گردشگر خارجی در ایران به مصلحت نباشد، می‌توان مانع از دفن وی و در نتیجه خارج نمودن جنازه شخص از کشور نمود، البته این اقدام به معنی اجرای مجازات اخراج نیست. مانند آن که رهبر گروه تروریستی در ایران دستگیر و در کنار مجازات اصلی به مجازات تکمیلی اخراج محکوم نیز شود لکن پس از قطعی شدن حکم و قبل از اجرای آن در ایران فوت نماید، در این حالت با آنکه دیگر اجرای مجازات اخراج وی معنا و مفهومی ندارد لکن دولت مزبور می‌تواند مانع از دفن چنین شخصی در قلمرو ایران بنا به مسائل سیاسی و امنیتی شود.

تغییر تابعیت فرد اخراج شده به کشور دیگر بعد از اخراج، تاثیری در روند حکم نخواهد داشت، مگر آنکه دلیل اخراج مسئله تابعیت باشد. به عنوان مثال چنانچه گردشگر تبعه رژیم اشغالگر قدس صرفاً به دلیل تابعیت از کشور ایران اخراج شده باشد، در این حالت لزوماً تغییر تابعیت وی، در حکم اخراج اثر گذار است زیرا علت اصلی اخراج در حال حاضر مفقود است. اگر گردشگر خارجی اخراج

¹- دولت ها نسبت به مجرمینی که با برهم زدن امنیت ملی و با اقداماتی که تمامیت ارضی و استقلال کشورشان را به مخاطره بیندازند به شدت مبارزه کرده و با شناختن صلاحیت کیفری به نام اصل صلاحیت واقعی قوانین کیفری برای خود با آنها برخورد می‌کنند هرچند که مجرمین این دسته از جرایم ایرانی نباشند (پوربافرانی، 1391: 73).

شده، بعداً به تابعیت ایران درآید، این شخص ایرانی محسوب شده و بر اساس اصول حقوقی و قانون داخلی، اخراج شهروند کشور ممنوع است (باتیفول^۱ و لاگارد^۲، 1981: 125) و فرد مزبور می‌تواند وارد قلمرو ایران شود. همچنین اگر گردشگر خارجی به عنوان مجازات تکمیلی از ایران اخراج شود و در خارج از کشور با مرد ایرانی ازدواج کند، مطابق با بند 6 ماده 976 قانون مدنی^۳ مصوب 1313 به محض وقوع عقد به تابعیت ایران در خواهد آمد که این امر بیانگر اصل وحدت تابعیت زوجیت است و برای جلوگیری از تعارض قوانین به کار می‌رود (بوبک^۴ و دیگران، 2006: 114). در این مورد با منتفی شدن مجازات تکمیلی اخراج، نمی‌توان مجازات دیگری را جایگزین آن کرد، چراکه مقنن در این زمینه حکمی را مقرر نکرده است. اما اگر گردشگر خارجی قبل از قطعی شدن حکم اخراج به تابعیت ایران درآید، دادرس دادگاه باید مجازات تکمیلی دیگری را غیر از اخراج، متناسب با جرم ارتكابی و شخصیت مجرم اتخاذ نماید. ممنوعیت ورود به کشور شامل شخص زنده است و چنانچه فرد اخراج شده وصیت نماید که جنازه او در کشور ایران دفن شود، در این حالت چه وصیت فرد قبل از حکم اخراج باشد و یا بعد از آن، در صورت عدم تعارض با مصالح و منافع کشور، دفن وی ایرادی ندارد.

اثر دیگر اخراج که در ماده 15 «آیین نامه راجع به نحوه اجرای مجازات تکمیلی» مصوب 1393 نیز بدان اشاره شده، جلوگیری از ورود گردشگر خارجی به کشور در مدت اجرای حکم یا تصمیم اداری اخراج است. یکی از چالش‌های مهم در این زمینه، پرواز هواپیمای حامل گردشگر خارجی اخراج شده بر روی قلمروی ایران است. همانطور که در عرف بین‌المللی رایج است کشورهای مختلف با انعقاد معاهدات دو یا چند جانبه، به ارائه خدمات هوایی به یکدیگر مانند اجازه عبور هواپیما از قلمرو خود ملزم می‌شوند. ماده 8 قانون هواپیمایی کشوری^۵ مصوب 1328 نیز به اجازه عبور هواپیمای خارجی از حریم هوایی ایران اشاره دارد. حال اگر گردشگر خارجی به موجب مجازات تکمیلی از خاک ایران اخراج شده و بخواهد مثلاً از کشور ترکیه با سفر هوایی به کشور پاکستان سفر کند، در نگاه اول به نظر می‌رسد با توجه به ممنوعیت مطلق حضور فرد محکوم علیه در ایران، عبور مزبور به منزله نقض مفاد حکم دادگاه باشد اما باید توجه داشت مطابق تعهدات طرفین، اجازه پرواز بدون توقف هواپیما کشور طرف تعهد از قلمرو کشور میزبان مستلزم پذیرش ضمنی مسافرین و کالاهای موجود در هواپیما است (والرو^۶، 2004: 33). به عبارت دیگر هنگامی که کشوری اجازه پرواز هواپیمای کشور دیگر را می‌دهد، نمی‌تواند به بهانه حضور فرد ممنوع‌الورود، آن را عاملی برای نقض حکم اخراج تلقی

¹ Batiffol

² Lagarde

³ - بند 6 ماده 976 قانون مدنی 1313: «اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند: بند 6- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند».

⁴ Baubock

⁵ - ماده 8 قانون هواپیمایی کشوری 1328: «هواپیمای خارجی می‌تواند با رعایت قوانین و مقررات کشور بر فراز ایران پرواز نماید... مشروط بر اینکه قبلاً اجازه دولت ایران تحصیل شده باشد یا به موجب قراردادی این اجازه داده شده باشد».

⁶ Vallero

کند، به طریق اولی فرود اضطراری هواپیمای حامل فرد اخراجی به واسطه عواملی مانند مشکل فنی و شرایط نامساعد جوی نمی‌تواند عاملی برای نقض مفاد حکم تکمیلی باشد، چراکه حضور فرد مزبور در قلمرو ایران به صورت غیر عامدانه و اتفاقی بوده است. با این حال گردشگر خارجی اخراج شده می‌تواند از کشور ایران به عنوان فرودگاه ترانزیتی استفاده نماید. برای مثال تبعه پاکستانی که قبل از ایران اخراج شده، به دلیل آنکه کشور پاکستان پرواز مستقیم به ایتالیا ندارد مجاز است به ایران آمده و از فرودگاه ایران به کشور مقصد سفر کند.

قانون ایران در رابطه با اثر اخراج بر اموال گردشگر خارجی اخراج شده ساکت است. به نظر می‌رسد مالکیت فرد اخراج شده بر اموال خویش اعم از منقول و غیر منقول پابرجاست، زیرا اخراج به معنای قطع رابطه مالکیت نسبت به اموال نیست و اثر حکم صرفاً در خروج اجباری فرد مزبور منحصر می‌شود، حتی اگر وی به صورت دائم از کشور اخراج شود، در نتیجه او می‌تواند اموالش را به دیگران انتقال دهد و یا از منفعت آن بهره‌برد. روشن است که فرد اخراج شده نمی‌تواند به بهانه پیگیری اموال وارد ایران شود و می‌بایست برای این کار وکیل بگیرد.

درباره تاثیر گذشت شاکی بر آثار حکم اخراج باید قائل به تفکیک شد؛ نخست جرایم قابل گذشت که خود به دو مرحله قبل از صدور حکم و بعد از صدور حکم تقسیم می‌شود. اگر گذشت شاکی قبل از صدور حکم باشد مانند گذشت شاکی در جرم قذف موضوع ماده 245 قانون مجازات اسلامی¹ مصوب 1392 با توجه به آنکه رضایت شاکی قبل از صدور حکم دادگاه بوده، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و مسئله اخراج منتفی می‌شود، چراکه اخراج گردشگر خارجی به عنوان مجازات تکمیلی باید توأم با مجازات اصلی باشد. گذشت شاکی بعد از صدور حکم دادگاه، موجب صدور قرار موقوفی تعقیب و مختومه شدن پرونده می‌شود و دیگر هیچ گونه مجازاتی عم از اصلی یا تکمیلی اجرا نمی‌شود؛ لذا مجازات اخراج در این دو حالت منتفی است. اما در جرایم غیر قابل گذشت وضع متفاوت است. برای مثال گردشگر خارجی پس از اینکه به دلیل جعل سند غیر رسمی به دو سال حبس تعزیری از باب مجازات اصلی² و اخراج از کشور به عنوان مجازات تکمیلی محکوم شده، چنانچه بتواند گذشت شاکی را به دست آورد، با فرض اینکه جرم جعل قابل گذشت نیست، الغاء حکم اخراج بسته به نظر قاضی دادگاه است. در صورت اعمال بند الف کیفیات مخففه مذکور در ماده 38 قانون مجازات اسلامی 1392، اگر مجازات اصلی گردشگر خارجی تا آن اندازه تخفیف یابد که مجازات وی به تعزیر درجه 7 یا 8 تبدیل شود،³ اجرای مجازات تکمیلی اخراج فاقد مبنای قانونی است، زیرا دادگاه تنها در

¹- ماده 245 قانون مجازات اسلامی 1392: «قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مرده باشد».

²- ماده 536 قانون تعزیرات 1375: «هر کس در اسناد یا نوشته‌های غیر رسمی جعل یا تزویر کند یا با علم به جعل و تزویر آن‌ها را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد».

³- بند الف ماده 38 قانون مجازات اسلامی 1392: «جهت تخفیف عبارتند از: الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی...».

جرایم تعزیری درجه 6 و بالاتر می‌تواند به مجازات تکمیلی حکم دهد، در غیر این صورت، گذشت شاکی بعد از حکم تأثیری در روند اخراج نخواهد داشت.

نکته پایانی اینکه به نظر می‌رسد نسخ ماده قانونی مرتبط با اخراج موجب توقف اجرای مجازات و انتفاء اثر آن یعنی ممنوعیت ورود به خاک ایران می‌شود.^۱ به عبارت دیگر نسخ قانون در طول اجرای مجازات نیز موجب عدم اجرای مجازات می‌شود، بنابراین گردشگر خارجی می‌تواند مجدداً به ایران سفر کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

امروزه پیشرفت وسایل ارتباطی اعم از هوایی، زمینی و دریایی منجر به تقویت پیوند بین مردم جهان و در نتیجه افزایش آمد و شد به کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران شده است. این گسترش رفت و آمد در مواردی ممکن است چالش‌هایی سیاسی، امنیتی و نظایر آن را به وجود آورد. برای مثال، حضور گردشگر خارجی با سابقه جنون موجب نا امنی اجتماعی در محل سکونت وی شود یا آن که حضور گردشگر خارجی با منافع سیاسی کشور میزبان در تضاد باشد. از این رو با در نظر داشتن چنین تبعات احتمالی، دولت‌ها این اختیار را برای خود قائل شده که با استفاده از اصل حاکمیت، هرگاه حضور فرد خارجی را در تقابل با مصالح خویش ببینند، وی را به طور دائم یا موقت ولو قبل از ارتکاب جرم اخراج کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز از داشتن چنین حقی مستثنی نبوده لذا در قانون راجع به ورود و خروج اتباع بیگانه 1310 و قانون مجازات اسلامی 1392 امکان اخراج را با رعایت شرایط مقرر پیش‌بینی شده است. تدقیق در مواد قوانین یاد شده مبین چند نکته است؛ نخست آن که حکم به اخراج از کشور چه به صورت اداری و طبق قانون راجع به ورود و خروج اتباع بیگانه 1310 انجام گیرد و چه به صورت قضائی و طبق قانون مجازات اسلامی 1392 باشد قابل اعتراض در مرجع صالح است. مهم‌ترین تمایز این دو گونه اخراج آن است که در مورد نخست چنان چه اخراج از نقطه نظر مصالح مملکتی فوریت داشته باشد، حکم اخراج اجرا شده (با این حال، حق اعتراض به این تصمیم برای گردشگر خارجی پا برجا است) اما در نوع دوم، اخراج شخص باید پس از قطعی شدن حکم صورت پذیرد. دوم آن که؛ امکان اخراج اتباع ایرانی ولو ساکن کشور خارجی، وجود ندارد. سوم آن که؛ جرمی که مجازات آن اخراج دائم از جمهوری اسلامی ایران باشد، در قوانین موضوعه پیش‌بینی نشده است لذا اعمال اخراج دائمی که در ماده 35 قانون مجازات اسلامی 1392 مقرر شده است محل تأمل است مگر آن که چنین اخراجی را به عنوان مجازات تکمیلی در نظر بگیریم؛ زیرا با آن که تبصره 1 ماده 23 قانون مجازات اسلامی 1392، مدت مجازات تکمیلی را تا دو سال تعیین نموده است لکن در ادامه تعیین مدتی بیش از مدت مذکور (2 سال) را ممکن دانسته است.

⁴⁵- ماده 99 قانون مجازات اسلامی 1392: «نسخ قانون، تعقیب و اجرای مجازات را موقوف می‌کند. آثار نسخ قوانین کیفری به شرح مندرج در ماده (10) این قانون است.»

افزون بر آنچه گفته شد، ذکر چند نکته در رابطه با موضوع مورد بحث خالی از فایده نیست. نخستین مسئله‌ای که باید بدان توجه داشت درباره صدور حکم اخراج غیابی است. با وجودی که به استناد قوانین موضوعه چنین امری امکان‌پذیر است لکن صدور حکم این چنینی با ذات مجازات اخراج هم‌خوانی ندارد زیرا مجازات اخراج زمانی معنا می‌یابد که شخص به بیرون از قلمرو حاکمیتی کشور رانده شود لذا صدور حکم غیابی در این زمینه چندان مقرون به صواب به نظر نمی‌رسد. بعلاوه؛ با آن که جلوگیری از ورود مجدد فرد به قلمرو حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران از آثار اخراج است لکن در این رابطه باید توجه داشت که تعهدات چند جانبه بین دولت ایران با دیگر کشورها، اجازه عبور شخص اخراج شده از مرزهای هوایی ایران را صادر می‌نماید لذا دولت ایران نمی‌تواند از عبور گردشگر خارجی جلوگیری نماید و نیز گردشگر اخراج شده می‌تواند در مدت اخراج از فرودگاه‌های ایران به عنوان فرودگاه ترانزیتی استفاده نماید. دیگر آن که در قوانین بین‌المللی امکان اخراج گروهی و یا دسته‌جمعی گردشگران خارجی یک کشور ممنوع است لذا برای نمونه نمی‌توان همه و یا قسمت زیادی از گردشگران خارجی یک کشور خاص را به این بهانه که حضورشان محل نظم و امنیتی عمومی می‌باشد از کشور اخراج کرد. در آخر باید در نظر داشت از آن جایی که صدور حکم اخراج صرفاً شامل حال اتباع بیگانه می‌شود لذا چنان چه گردشگر خارجی پس از اخراج از کشور به نحوی تابعیت جمهوری اسلامی ایران را کسب نمود اثر این مجازات نیز کان لم یکن می‌گردد.

بر اساس دستاوردهای مقاله و تحلیل‌های انجام شده بنظر می‌رسد ارائه پیشنهادات ذیل می‌تواند کاستی‌های موجود در قوانین موضوعه در رابطه با اخراج گردشگر را اصلاح سازد:

- 1- شایسته است قانونگذار در رابطه با قوانین مربوط به بیگانگان دست به عصری سازی و پرمودن خلأهای مختلف برد چراکه قانون راجع به ورود و خروج اتباع بیگانه 1310 و مواد 23 و 35 قانون مجازات اسلامی 1392 بسیاری از چالش‌های مطروحه را بی پاسخ گذارده است که این موجب تشتت آراء قضات و به وجود آمدن اختلاف قضایی بین دادگاه‌های ایران می‌شود.
- 2- از آن جایی که ماده 23 و 35 قانون مجازات اسلامی 1392 در مورد اخراج دائم ابهام داشته و نیز جرایم مستوجب مجازات اخراج دائم در قانون مشخص نشده‌اند، لذا لازم است مقنن در این رابطه ابهام زدایی نماید.
- 3- با توجه به ماده 15 آیین نامه اجرایی مجازات‌های تکمیلی، در مدت اجرای حکم یا تصمیم از ورود گردشگر خارجی به کشور جلوگیری می‌شود. با این حال شایسته است مقنن از چنین حکم مطلق عدول نموده و در شرایطی، تحت تدابیری خاص عبور بی‌ضرر گردشگران اخراج شده فراهم نماید.

منابع

1. اردبیلی، محمد علی (1393). **حقوق جزای عمومی**، جلد 3، تهران: میزان.
2. امین زاده، الهام و سیاه رستمی، هاجر (1389). ممنوعیت اخراج سکنه فلسطینی و ساخت شهرک های یهودی نشین از دیدگاه حقوق بین الملل، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق سابق)**، دوره 40، شماره 2، صص: 35-48.
3. احمدی نژاد، مریم (1391). موانع استرداد و اخراج مجرمین در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، سال 1، شماره 1، صص: 1-32.
4. پوربافرانی، حسن (1391). تحول اصل صلاحیت واقعی در لایحه جدید مجازات اسلامی، **فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی**، شماره 58، صص: 73-96.
5. حاتمی، مهدی و ساعدی، بهمن و شهبواری، احسان (1394). وضعیت حقوقی بیگانگان در ایران در پرتو انسانی شدن حقوق بین الملل، **مجله حقوق خصوصی**، دوره 12، شماره 1، صص: 170-151.
6. دهخدا، علی اکبر (1377). **لغت نامه دهخدا**، جلد 2، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
7. زراعت، عباس (1393). **شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی**، جلد 2، چاپ اول، تهران. نشر جنگل.
8. فیوضی، رضا (1376). **حقوق بین الملل مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت از اتباع**، جلد 1، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
9. قاسمی، علی (1393). مسئولیت بین المللی دولت‌ها در قبال اخراج بیگانگان با تأکید بر رویه ی دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحده، **فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی**، شماره 68، صص: 240-207.
10. قاسمی شوب، احمدعلی (1383). نگاهی به جایگاه بیگانگان در حقوق بین الملل با تأکید بر اسناد بین المللی حقوق بشر، **مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران**، شماره 31، صص: 169-119.
11. مقامی، امیر و درودگر، میترا (1396). حق بر گردشگری و حقوق گردشگران خارجی از منظر حقوق بین الملل، **مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری**، دوره 6، شماره 23، صص: 170-155.
12. ملک زاد، فرید (1387). **فرهنگ اصطلاحات حقوق بشر و حقوق بین المللی**، چاپ دوم، کابل: سازمان بین المللی انکشاف حقوق.
13. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (1395). **دانشنامه جرم شناسی : انگلیسی - فرانسه - فارسی**، تهران: نشر گنج دانش.
14. نصیری، علی (1379). **حقوق بین الملل خصوصی**، تهران. نشر آگه.
15. Batiffol, H & Lagarde, P (1981). **Droit international prive**, Paris: librairie geneale de droit et de jurisprudence, T 2, 7th.
16. Baubock, R., Ersboll, E & Groenendijk, K.(2006). **Acquisition and Loss of Nationality**, Amsterdam: Amsterdam University Press, Vol 1.
17. Cheng, B (1987). **General Principles of Law as Applied by International Courts and Tribunals**, Cambridge: Grotius Publications Limited.
18. Brownlie, I (1999). **Principles of Public International Law**, Oxford: Clarendon Press, 5th.
19. Guy S. Goodwin-Gill (1978). **International Law and the Movement of Persons between States**, Oxford: Clarendon Press.

20. Henckaerts, J. (1994). The Current Status and Content of the Prohibition of Mass Expulsion of Aliens, **Human Rights Law Journal**, 15(8):317- 301.
21. Kamto, M. (2005). **Preliminary report on the expulsion of aliens**, United Nations, International Law Commission
22. Kidane, W. (2013). **Procedural Due Process in the Expulsion of Aliens Under International, United States, and European Union Law: A Comparative Analysis**, Seattle University School of Law.
<http://digitalcommons.law.seattleu.edu/faculty/487>.
23. Lambert, H. (2001). **The Position of Aliens in Relation to The European Convention on Human Right**, Council of Europe Publishing.
24. Lauterpacht, H. (1933). **The Function of Law in the International Community**, Oxford: Clarendon Press.
25. OHCHR Discussion paper (2006). **Expulsions of aliens in international human rights law**, Geneva, September
26. Vallero, L. (2004). The Freedom of Fifth Freedom Flights, **Airways International**, vol. 6, No 15.

Case:

27. ICJ, **Ahmadou Sadio Diallo Case**, Judgment of 30 November 2010. p.28, No.